

بهترین تصمیم از نظر فدراسیون!

نشست تبیین دستورالعمل ناظر بر سقف بودجه باشگاه‌ها در فدراسیون فوتبال چیزی نبود جز تکرار وعده‌های تکراری مدیران این فدراسیون. با اینکه مهدی تاج و همکارانش مدعی هستند این قانون لازم‌الاجراست و همه باشگاه‌ها طبق آن پیش می‌روند، اما اخبار منتشر شده عکس این ادعاها را نشان می‌دهند.

درست از زمانی که گفته شد باشگاه‌های لیگ برتری از این فصل دیگر حق ریخت‌وپاش‌های بی‌حساب و کتاب را ندارند، رقم قراردادها نه تنها کاهش نیافت، بلکه رقم‌های درخواستی مربیان و بازیکنان با شیب تندی نجومی‌تر از قبل شد. فدراسیون با همکاری سازمان لیگ دستورالعملی را تدوین کرده که براساس آن هر باشگاه حق دارد ۳۲۵ میلیارد تومان خرج خرید بازیکن و مربی کند و این رقم برای باشگاه‌های آسیایی اندکی بیشتر در نظر گرفته شده است. منتها شواهد و قرائن حاکی از آن است که همچون گذشته مدیران باشگاه‌ها اهمیتی به قوانین نمی‌دهند و به موجب آن بازیکنان و مربیان با همکاری واسطه‌هایشان درخواست‌های نجومی مطرح می‌کنند. این درخواست‌ها به علاوه آپشن‌های مختلف اگرچه عجیب و غریب و بسیار فراتر از حق واقعی‌شان است، ولی به راحتی از سوی مدیران مورد قبول واقع می‌شوند و خرید فلان بازیکن یا مربی می‌شود عامل محبوبیت فلان مدیر نزد هواداران!

باشگاه‌های زبان‌ده

رئیس فدراسیون که همین چند روز پیش گفته بود اگر قانون سقف بودجه اجرا نمی‌شد باشگاه‌ها ورشکسته می‌شدند حالا در جلسه روز گذشته به زیان‌ده بودن همان باشگاه‌ها اعتراف کرده است: «فدراسیون به این جمع‌بندی رسید که بهترین کاری که در شرایط فعلی می‌توانست انجام دهد، سقف قرارداد بود. با باشگاه‌های زیان‌ده روبرو هستیم و گرفتاری‌هایی در این زمینه نیز وجود دارد. دستگاه‌های اجرایی نظیرشان این است که گرفتاری‌ها ممکن است در آینده دست‌وپاگیر شوند.» همین زیان‌ده بودن تیم‌هاست که فوتبال ایران را به ورطه نابودی کشانده است. در سال‌هایی که همه دم از حرفه‌ای‌گری می‌زدند، پول‌های بیت‌المال به سمت حساب بازیکنان و واسطه‌های متعدد سرازیر می‌شد و هیچ اهرم قانونی نیز نتوانست جلوی این فاجعه را بگیرد. البته این را هم فراموش نکنیم که عزم جدی نیز برای مقابله با حیفومیل شدن بیت‌المال وجود نداشت. حال فدراسیون نشین‌ها ژست مبارزه با دستمزدهای نجومی را گرفته‌اند و اینگونه وانمود می‌کنند که تدوین دستورالعمل سقف بودجه اقدامی تاریخی است در جهت نجات فوتبال.



آقایان بهتر از همه می‌دانند اوضاع فوتبال ایران چقدر اسفناک است و حتی قادر به گرفتن ابتدایی‌ترین لایسنس‌های بین‌المللی نیز نیستیم. منصور قنبرزاده، نایب‌رئیس دوم تاج در این جلسه به چند مورد آن سر بسته اشاره کرده است: «بکسری الزامات داریم که همه مطلع هستند. باشگاه‌هایی که در لیگ برتر هستند به لحاظ قوانین ای‌اف‌سی باید مجوز حرفه‌ای یا ملی بگیرند. از ۱۶ تیم لیگ برتری ما فقط شش تیم توانستند مجوز حرفه‌ای بگیرند. ۱۰ تیم نه مجوز حرفه‌ای گرفتند و نه مجوز ملی. چنانچه در سه دوره متوالی باشگاهی موفق به کسب مجوز حرفه‌ای و ملی نشود طبق الزامات ای‌اف‌سی حق حضور در لیگ برتر را هم ندارد. از این ۱۰ تیم تعداد قابل توجهی از آنها حتی مجوز ملی را هم ندارند. بنابراین ما اگر نتوانیم قانون تجارت و الزامات ای‌اف‌سی را رعایت کنیم، مجوزهای ما را از دست می‌دهیم. این موضوع در معرض انحلال قرار بگیرد.» این موضوع جدیدی نیست و خومان هم می‌دانیم فوتبال و باشگاه‌هایمان آماتوری هستند، اما پول حرفه‌ای خرج می‌کنند. استقلال از آسیا حذف شده و علتن هم طلب استراماچینی بود، ولی واقعیت این است که دیگر باشگاه‌هایی که مجوز حرفه‌ای گرفتند نیز هزار و یک عیب و ایراد حرفه‌ای دارند. کالیفت پرورنده همان شش باشگاهی که قنبرزاده سنگ‌شان را به سیننه زده بررسی کنیم تا ببینیم چه تعداد پرورنده شکایت خارجی و بدهی مالی دارند.

جولگیوری از ورشکستگی

نایب‌رئیس در بخش دیگری از حرف‌هایش بحث در آمدازی را وسط کشیده است: «سلفه وجودی کار گروه ما این بود که به سستی برویم که باشگاه‌ها ما به ورشکستگی نروند و مهم‌تر از همه باشگاه‌ها باید درآمد داشته باشند که هزینه کنند.» جای شکر دارد نشست تبیین دستورالعمل ناظر بر سقف بودجه باشگاه‌ها بر گزار شد و آقایان مجبور شدند گوشه‌ای از واقعیت‌ها را زیان‌بیابانند. وقتی کف قراردادها به ۳۰، ۴۰ میلیارد تومان افزایش یافته، باشگاهی که تا دیروز زیان‌ده بوده چطور قرار است یک شبه درآمدزا شود؟ وقتی از منصور قنبرزاده در خصوص قرارداد دلازی و دریافت رزمراز پرسیدند، جواب مبهمی به آن داد: «برای این موضوع یک مکانیزم بسیار قوی در نظر گرفتیم که یکی از مکانیزم‌ها خود آن شرکت است. در فرم بودجه‌ای که به باشگاه‌ها ابلاغ شده علاوه بر مدیرعامل باشگاه، مدیر مالی و مدیر خزانه‌داری و همین‌طور اعضای هیئت مدیره و رئیس مجمع آن باشگاه هم باید فرم امضا کنند. همچنین هیچگاه بندی تحت عنوان ممنوعیت قرارداد‌های دلازی و پوری برای باشگاه‌هایی که بازیکن خارجی می‌گیرند نداشتیم، اما مظاهر معاون اول رئیس جمهوری بخشنامه‌ای را داده که برای همه ورزش‌هاست. باشگاه‌ها می‌توانند از ارزهای دیگر منطقه استفاده کنند.» اینکه باشگاه متخلفی که به بازیکنش رزمراز می‌دهد چطور قرار است در مقابل تخلفات مالی باسختگو باشد خودش یک ابهام بزرگ است. از طرفی اگر قرار باشد بازیکن ایرانی هم به جای دلار و یورو و با هم استفاده شود باید فاتحه فوتبال را خواند.

دولت کمک کند

تجهیز ورزشگاه‌ها به VAR موضوع دیگری بود که در جلسه روز گذشته مطرح شد. پس از وعده‌های فراوان برای ورود کمک‌دولت ویدئویی به فوتبال ایران، فدراسیون همچنان توپ را به زمین این و آن می‌اندازد. مهدی تاج دوباره دست به دامن دولت شده و تقاضای کمک مالی کرده است: «به دنبال وارد کردن VAR هستیم، امیدوارم دولت هم نگاه خاصی به فوتبال داشته باشد، خصوصاً امسال که مسابقات زیادی داریم. دولت عراق ۶۰ میلیون دلار به فدراسیون فوتبال عراق کمک کرده تا برای توسعه فوتبال هزینه کنند. اگر می‌توانستیم پولمان را از فیفا و ای‌اف‌سی بگیریم، می‌توانستیم از طریق فوتبال هزینه‌هایمان را بدهیم.» آسمان و ریسمان بافتن‌های تاج تمامی ندارد و او به جای آنکه بگوید وعده الکی داده و در این مدت همه سرکار بوده‌ایم، دوباره تقاضای استفاده از کمک‌های دولتی را مطرح کرده و یک مثال هم از کشور عراق زده است. واقعا اگر بهانه تحریم‌ها وجود نداشت، رئیس فدراسیون چطور می‌توانست خلا VAR را توجیه کند!

وقتی بیت‌المال خوری و ادعا و شعار زیاد می‌شود، طبیعی است که عده‌ای هم پیدا شوند که به مفت‌خوری عادت کنند. وقتی با این عده برخورد درستی هم صورت نگیرد، آن وقت این جماعت بیت‌المال‌خور به اسم حرفه‌ای بودن هر کاری که دلشان بخواهد انجام می‌دهند بدون اینکه کوچک‌ترین نگرانی بابت تبعات و حرکت در مسیر خلاف امنیت ملی، از این جماعت نمی‌توان توقع داشت که کوچک‌ترین اعتقادی داشته باشند، چرا که فقط پول

گرفتن، لگدپراکنی و خوش‌رقصی برای دشمنان قسم خورده مردم و کشورشان را آموخته‌اند. طی هفته‌ای که گذشت، افکار عمومی مسلمانان جهان تحت تأثیر اهانت دولت و پلیس سوسد به قرآن کریم رنجیده‌خاطر بود. رنجشی که همچنان ادامه دارد و حتی به میادین ورزشی کشورهای مسلمان هم کشیده شده است. اینجا اما در ایران جمع ورزش فعلی‌سکوت اختیار کرده و از وزیر گرفته تا معاونان، رئیس، ورزشکار و مربی همه درگیر چیزهایی هستند که به‌زعم آنها مهم‌تر از کلام‌الله است، بنابراین حرفی نمی‌زنند.

وقتی ارادل هستند، چه جای قرآن؟

دیروز تصاویر و خبر حضور بازیکنان و داوران فوتبال عراق در مسابقات باشگاهی این کشور همراه با قرآن کریم سروصدای زیادی به راه انداخت. فوتبالیست‌های عراقی با بلند کردن قرآن در دست‌ها به دنیا نشان دادند که اهانت به کتاب آسمانی مسلمین جهان اتفاقی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. اینجا اما در ایران و در حالی که مسابقات فوتبال تعطیل است و تیم‌ها جسته و گریخته تمرینات خود را آغاز کرده‌اند، سکوت مرمگاری بر فضای فوتبال حاکم است، نه حمایتی و نه حتی حرکتی نمادین. فوتبال که جای سکوت دارد، بقیه ورزش هم در این سکوت مرمگار شریک هستند، حتی آنها که ادعای دیانت‌شان گوش فلک را کر می‌کرد، این روزها مهر سکوت بر لب‌دهاند و کاری نمی‌کنند.

البته در عوض چنین حرکتی تا دلتان بخواد حاشیه درست می‌شود، به‌خصوص در فوتبال. تصور کنید که فوتبالیست‌های مسلمان در دیگر کشورها قرآن به دست وارد زمین می‌شوند، اما اینجا ارادل و وپاشش را ردیف می‌کنند و با خودشان

به زمین تمرین و مسابقه می‌آورند تا نکنند کسی به آقایان بگوید بالای چشمانم ابروست و اگر کسی هم جرئت اعتراض پیدا کرد که تکلیفش مشخص است و همه دیدند چه اتفاقی برایش رخ می‌دهد.

جالب است که پای ادعا که به میان می‌آید اما همه مدعی‌تریم، اما در عمل همیشه چند قدم عقب‌تر از بقیه حرکت می‌کنیم، چرا؟ چون فعلاً فوتبالی‌ها درگیر پول هستند و اینکه چگونه بیشتر و بهتر بیت‌المال را خالی کنند. مسئولان مدعی هم به فکر سفرهای خود هستند و وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیز بی‌خیال روزگارند.

امبايه و سلب تری های ورزشی ما

تصور کنید ناآرامی‌های چند روز اخیر فرانسه در پی قتل یک نوجوان توسط پلیس این کشور در ایران رخ می‌داد. اصلاً چرا تصور کنید در همین اغتشاشات سال گذشته که تقریباً به بهانه‌های مشابه در ایران روی داد و رسانه‌های معاند با راه انداختن یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار با تمام توان خود برای ارتداد از نظام جمهوری اسلامی به میدان آمدند. همین جماعت فوتبالی بیت‌المال‌خور با تمام توان همراه رسانه‌های معاند تلاش کردند و آب به آسیاب آنها ریختند و هر روز آتش فتنه را شعله‌ورتر از روز قبل نگه داشتند. برخی حتی به این هم بسنده نکردند و به خیابان آمدند و در کنار اغتشاشگران آتش زدند و سوزاندند و به پرچم کشور توهین کردند.

حالا اینها را بگذارید در کنار اظهارنظر کیلیان امبايه، فوق‌ستاره فوتبال فرانسه در خصوص اتفاقات اخیر این کشور. امبايه بعد از قتل نوجوان فرانسوی به دست پلیس این کشور نوشت: «قلبم برای فرانسهم به درد آمد. این شرایط قابل قبول نیست. به خانواده و عزیزان «تول» صمیمانه تسلیت می‌گویم و با آنها هم‌دردم، فرشته کوچکی که خیلی زود رفت.»

اما امبايه بعد از به آشوب کشیده شدن شهرهای فرانسه ضمن ابراز تأسف دوباره خود از قتل این نوجوان با انتشار پستی از این خواهد خشوند و در کاخش دهند و می‌نویسد: «از زمان این حادثه تا، تلخ، ما شاهد ابراز نا ا



فریدون حسن کرزارش

کیلیان و آرامش کریمی و اغتشاش!

در روزهای اخیر حرکت داوران و فوتبالیست‌های عراقی در دفاع از قرآن انعکاس زیادی داشت در حالی که جامعه ورزش ایران در سکوت مطلق به سر می‌برد

مردمی هستیم که محتوای آن را درک می‌کنیم، اما نمی‌توانیم شکل آن را تأیید کنیم. این اموال شعاست که دارد ویران می‌کنید. محله‌های شما، شهرهای شما، مکان‌های تحقق و مجاورت شماست.»

تفاوت را مشاهده کردید؛ امبايه به آروی آتش ناآرامی‌ها می‌یرد و همه را دعوت به آرامش می‌کند، اما در ایران فوتبالی‌های سانفت روی آتش می‌ریختند و در عین ناباوری برخی بزرگان حتی حاضر نمی‌شدند حقیقت را قبول کنند و فقط بر طبل می‌کوبیدند که رسانه‌های معاند به دست‌شان داده بودند. نغد فند از این دست فوتبالیست‌ها سریع دارند که در بلبشوی سال گذشته مردم را به آرامش دعوت کرده باشند. همه دیدند همین‌ها که سا پول مردم گردن کلفت کره‌اند، چگونه برای معاندان همین مردم خوش‌قصی می‌کردند.

هزینه‌سازی برای نظام

جواب است فوتبال مرده شده در اتفاقات سال گذشته امروز هم با تمام توان مشغول هزینه‌سازی برای نظام است. فلان مربی را به فلان تیم می‌آورند و تمام توان همراه رسانه‌های معاند تلاش کردند و آب به آسیاب آنها ریختند و هر روز آتش فتنه را شعله‌ورتر از روز قبل نگه داشتند. برخی حتی برای سرا با نگه داشتن یک تیم بیت‌المال‌خور اینقدر واقع شده که حتی چند فصلان بازیکنان به این هم بسنده نکردند و به خیابان آمدند و در کنار اغتشاشگران آتش زدند و سوزاندند و به پرچم کشور توهین کردند.

حالا اینها را بگذارید در کنار اظهارنظر کیلیان امبايه، فوق‌ستاره فوتبال فرانسه در خصوص اتفاقات اخیر این کشور. امبايه بعد از قتل نوجوان فرانسوی به دست پلیس این کشور نوشت: «قلبم برای فرانسهم به درد آمد. این شرایط قابل قبول نیست. به خانواده و عزیزان «تول» صمیمانه تسلیت می‌گویم و با آنها هم‌دردم، فرشته کوچکی که خیلی زود رفت.»

اما امبايه بعد از به آشوب کشیده شدن شهرهای فرانسه ضمن ابراز تأسف دوباره خود از قتل این نوجوان با انتشار پستی از این خواهد خشوند و در کاخش دهند و می‌نویسد: «از زمان این حادثه تا، تلخ، ما شاهد ابراز نا ا

تبدیل به اسطوره‌ای شد که فوتبال ایران بابت اظهارنظرهای مخالفش حقش را خورده و اجازه فعالیت به او نداشته است.

بلبشوهای مالی

بد نیست حالا که از این جماعت بیت‌المال‌خور همسو با معاندان و دشمنان قسم خورده این کشور گفتیم، گاهی گذرا هم به بلبشوهای مالی آنها می‌کنند، اما در ایران فوتبالی‌های سانفت روی آتش می‌ریختند و در عین ناباوری برخی بزرگان حتی حاضر نمی‌شدند حقیقت را قبول کنند و فقط بر طبل می‌کوبیدند که رسانه‌های معاند به دست‌شان داده بودند. نغد فند از این دست فوتبالیست‌ها سریع دارند که در بلبشوی سال گذشته مردم را به آرامش دعوت کرده باشند. همه دیدند همین‌ها که سا پول مردم گردن کلفت کره‌اند، چگونه برای معاندان همین مردم خوش‌قصی می‌کردند.

این روزها بازار نقل و انتقالات و بیت‌المال‌خوری این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این روزها بازار نقل و انتقالات و بیت‌المال‌خوری این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این روزها بازار نقل و انتقالات و بیت‌المال‌خوری این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این روزها بازار نقل و انتقالات و بیت‌المال‌خوری این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد.

این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد. این رشته داغ‌داغ است، بازاری که فقط برای یکسری باشگاه‌های آن می‌تواند مدعی شد.



بازگشت نوجوانان با دست پر



شاگردان عبیدی در میان استقبال مردم و مسئولان به کشور بازگشتند. تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ ساله‌های ایران با وجود آنکه از راهبیل به فینال جام ملت‌های نوجوانان آسیا بازماند، در حالی جمعه‌شب آندونزی را ترک کرد که موفق به کسب جواز حضور در جام جهانی شده است. تیم فوتبال نوجوانان ایران که با ارائه بازی‌های دیدنی تانیمه‌نهایی جام ملت‌ها پیش رفته بود با قبول شکست برابر ژاپن از صعود به نیمه‌نهایی بازماند. با این وجود تیم زیر ۱۷ ساله‌های ایران با دست پر به کشور بازگشت. شاگردان عبیدی با برتری مقابل یمن در یک‌چهارم نهایی و ضربات پنالتی توانستند جواز حضور در جام جهانی نوجوانان را کسب کنند و با دست پر وارد ایران شوند.

ایران

دینا جعدری

غیرممکنی که ممکن شد!

غیرممکن داورزنی روتتر از آنچه تصور می‌شد، ممکن شد! کارشکنی امریکا در صدور ویزای برخی بازیکنان تیم ملی برای هفته سوم لیگ ملت‌ها، واکنش تند رئیس فدراسیون والیبالی ایران را به دنبال داشت. داورزنی صراحتاً سفر به امریکا بدون حضور نفراتی که موفق به دریافت ویزا نشدند را غیرممکن دانست. طبیعی بود رئیس فدراسیون والیبالی ایران سیاسی کاری امریکایی‌ها را برانگیزد، چرا که میزبان مسابقات براساس ماده ۳۹ قوانین برگزاری مسابقات FIVB موظف است بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای تمامی نفرات تیم‌ها ویزا صادر کند. امریکا به عنوان میزبان هفته سوم لیگ ملت‌ها از این مهم سرباز زده و از صدور ویزای برخی نفرات تیم ملی والیبالی ایران طفره رفته است! کارشکنی که می‌توانست برای تیم ملی والیبالی ایران دردسرساز شود، چرا که بعد از تامل‌های هفته‌های اول و دوم، نتیجه مصاف ایران با برزیل، بلغارستان، آرژانتین و کوپا در آن‌ها هم امریکا بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند شانس برای رسیدن شاگردان ایرانی به مسابقات در هشت تیم برتر این رقابت‌ها باشد. حال آنکه مانع این بار قبل از اعزام به هفته سوم ایجاد شده و طبیعی‌ترین کار ممکن موضع‌گیری سفت و سخت داورزنی بود.

داورزنی بعد از بحث و تبادل نظر با رئیس فدراسیون جهانی والیبالی و وزارت ورزش و جوانان، خواسته ایران صدور ویزا برای تمامی نفرات تیم با تغییر گروه ایران در هفته سوم بود. رایزنی‌هایی که اگرچه به صدور ویزا برای تمامی نفرات تیم منتهی شد، اما بی‌نتیجه هم نماند، می‌توانست از ایران داشته باشد. هر چند در این صورت فدراسیون جهانی والیبالی امریکا، بازی‌های ایران برابر حرفان در هفته سوم ۲ فوریه نمی‌شود و تیم ملی والیبالی ایران هیچ امتیاز منفی بابت عدم حضور در آن‌ها هم نخواهد گرفت. این بی‌شک بهترین حمایتی بود که فدراسیون جهانی والیبالی می‌توانست از ایران داشته باشد. هر چند در این صورت فدراسیون جهانی والیبالی امتیازی از هفته سوم به جیب نمی‌زد، اما در نهایت هیچ امتیاز منفی نیز متحمل نمی‌شد. با این وجود غیرممکن داورزنی خیلی زود ممکن شد و در حالی که تصور می‌شد تیم ملی قید حضور در هفته سوم را زده، رئیس فدراسیون والیبالی ایران مدعی شد تیمی که در این صورت فدراسیون جهانی والیبالی شریاتی که با وجود تمام رایزنی‌ها، امریکا از صدور ویزای عطایی ایران سرباز زده و تیم ملی باید بدون سرمربی راهی آن‌ها می‌شود! اتفاقی که بی‌تردیدی تأثیر منفی در عملکرد تیم در هفته سوم خواهد داشت.

مسئله این نیست که چرا تیم ملی با وجود کارشکنی امریکایی‌ها قرار است راهی آن‌ها می‌شود. بی‌تردید رفتار میزبان هفته سوم با روح ورزش و قوانین المپیک منافات دارد و دخالت دادن سیاست در ورزش است، به همین دلیل مقابله به مثل کردن با امریکایی‌ها نیز می‌تواند ادامه همین داستان (سیاسی‌بازی) باشد. مسئله این است که چرا رئیس فدراسیون والیبالی ایران در اندک زمانی کوتاه این چنین از حرف‌های خود کوتاه می‌آید و تصمیم می‌گیرد که مغایر با ادعای تند و تیز در روزهای گذشته است. زمانی که داورزنی حضور در امریکا را غیرممکن خوانده(به دلیل عدم صدور ویزای برخی نفرات تیم) اطمینان می‌شد تیمی که حمایت فدراسیون جهانی نداشت، اما در عین ناباوری بعد از آنکه FIVB چتر حمایتی خود را روی سر والیبالی ایران گرفت و مدعی شد امتیازی از ایران بابت عدم حضور در امریکا کسر نمی‌شود، رئیس فدراسیون در کمال ناباوری مدعی شد نمی‌توانیم به امریکا نرویم. تغییر موضع داورزنی چیزی شبیه به فریب افکار عمومی است. بی‌تردید هیچ‌کس او را مجبور نکرده بود سفر به امریکا بدون حضور تمامی نفرات تیم را غیرممکن بخواند، اما او این کار را کرد و مدعی شد بدون حضور آنها هیچ چیز پیشانی صادر نشده است. تیمی که در کمتر از چند روز چرخشی ۹۰ درجه‌ای دارد و تیم را امپهای سفر می‌کند، آن هم در حالی که عطایی شرایط همراهی تیم را ندارد!

این نخستین بار نیست که مسئولان ورزش کشور با قیافه‌ای حق به جانب شایع و شانه می‌کنند، اما چندی بعد از حرف خود کوتاه می‌آیند و تغییر موضع می‌دهند! رفتاری که این شایعه را ایجاد می‌کند که برخی سفرها آنقدر برای آقایان دلچسب است که برخلاف نمایی که به راه می‌اندازند نمی‌توانند از آن دل بکنند! احتمالی که شاید خیلی بدبینانه باشد، اما نتیجه عملکرد آقایان رفتار و رفتار و رفتار و رفتار می‌تواند است.

پیش‌بینی طلایی‌های ایران در هانگژو

کمیته ملی المپیک تعداد طلایی‌های ایران در بازی‌های آسیایی هانگژو را به تفکیک رشته‌های حاضر در این مسابقات پیش‌بینی کرده است. براساس پیش‌بینی این کمیته، ایران در نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی که از اول تا هفدهم مهرماه در هانگژو برگزار می‌شود، موفق به دریافت ۱۸ مدال در ۹ رشته خواهد شد. به‌زعم کمیته ملی المپیک، کشتی هفت طلا، ووشو و کوراش سه طلا، تکواندو دو طلا، کاراته، فایفرانی، بازی‌های الکترونیکی، شطرنج و والیبالی نیز هر کدام شانس کسب یک مدال طلا را در چین دارند. این پیش‌بینی در حالی انجام شده که به نظر می‌رسد کاروان ایران در برخی رشته‌های دیگر نیز شانس کسب طلا را دارد. هر چند که در مقابل عملکرد برخی رشته‌ها این شایعه را ایجاد کرده که نتوانند در هانگژو انتظارات را برآورده کنند.